

شعر و شاعری در نگاه فقه

چکیده

در محیطی که شعر رایج‌ترین تجلی هنر بوده، اسلام این هنر را مورد توجه قرار داد و سوره‌ای بنام شعراء اختصاص داد و در شش جای قرآن به این هنر توجه شایانی نمود.

و ضمن یادآوری کثر روی‌های شعر جاهلی و نکوهش آن به خاطر پوچی و بی‌تعهدی، تاکید کرد که این محکومیت به خاطر محتوای اغواگری و گول زننده و تباهی‌آفرین اشعاری است که از بی‌ایمانی سراینندگان آن نشأت گرفته.

اسلام شعر را هرگز به عنوان هنر محکوم نمی‌کند چرا که اگر همین در اختیار افراد مؤمن و شایسته قرار گیرد، ارزشمند و به سود جامعه خواهد بود.

پیامبر اکرم (ص) خود بارها به تجلیل از شاعران متعهدی چون حسان بن ثابت، پرداخت و تکریم امامان (ع) از همه و همه شاعران مانند دعبل، کمیت، حمیری و دادن هدیه‌ها و صله‌های ارزشمند، سه نشان از ارزش و اهتمامی است که دین و پیشوایان آن به شعر داده‌اند، و فقهاء شیعه نیز که وارثان عام ائمه معصومین هستند ضمن پرداختن به بحث شعر و شاعری

خود نیز بعضاً به سرودن شعر پرداخته و به تألیف کتاب‌هایی در این باره
همت گماشته‌اند و فقهای عامه نیز از این بحث غافل نبوده و در کتب فقهی
خود به طور مفصل ابعاد گوناگون این هنر را تجزیه و تحلیل نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی:

شعر، تخیل، فقه، هجاء، حداء، تشبیب، انشاء، صله.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شعر در لغت

شَعْرٌ بِهِ كَنْصَرٌ وَ كَرْمٌ شِعْرًا وَ شَعْرًا وَ شِعْرَةٌ عَلِمَ بِهِ وَ قَطَّنَ لَهُ

کلمه شعر مانند نَصْرٌ و كَرْمٌ و شِعْرٌ و شَعْرٌ و شِعْرَةٌ از یک ماده به معنای درک و شناخت دقیق همراه با فطانت و موشکافی است (مجدالدین قاموس المحيط، ص ۸۵. ابن منظور لسان العرب، ج ۷، ص ۱۲۱)

و سُمِّيَ الشَّاعِرُ شَاعِرًا لِفِطْنِهِ وَ دَقَّةِ مَعْرِفَتِهِ فَالشَّعْرُ فِي الاصل اسم للعلم الدقيق. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۶۲)

شاعر را شاعر می گویند به دلیل فطانت و دقت در شناخت، شعر در اصل نام علم دقیق است.

شعر، دانستن و زیرکی و تعقل و احساس است. (الحوزی، اقرب الموارد، ج ۱، ص ۵۹۴)

شعور اول علم است از راه شاعر و حواس و به قولی ادراک دقیق (طبرسی. مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۳۵)

جملاتی مانند لایشعرون در قرآن را نیز به لایفطنون تفسیر کرده اند، برای همین شاعر به کسی گفته می شود که با قدرت خیال پردازانه خود دقیق ترین مطالب را که دیگران از فهم آن فرو مانند به خوبی درک و موشکافی کند و در قالب سخنان موزون، مخیّل، مقفی و زیبا به دیگران فهماند.

شعر در اصطلاح منطق

شعر صنعتی است که برای تحریک خیال و تغییر حالات نفسانی انشاء می گردد و هیچ گونه تصدیق یقینی و ظنی از آن مطلوب نیست بلکه از قبیل انشائیات است که به وسیله آن انفعالات نفسانی طلب می شود. (صدرالدین اللمعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه، ص ۶۷۸)

شعر کلامی است مرتب معنوی موزون خیال انگیز و بقصد (دهخدا، لغت نامه، ش ۱۵۶)

«انّه کلامٌ مخیّلٌ مؤلّفٌ من اقوال موزونه متساویه مقفاه» شعر سخنی است خیالی و

فراهم آمده از کلمات موزون (مظفر، منطق مظفر، ج ۲، ص ۳۰۲)

ابوعلی سینا می‌گوید «ان الشعر هو كلامٌ مخيّلٌ مؤلّفٌ من اقوالٍ موزونةٍ متساويةٍ و عند العرب مقفاه»

شعر سخنی است خیالی و فراهم آمده از کلمات موزون و متساوی وی که عرب، قافیه را نیز در آن شرط می‌داند.

آن گاه می‌نویسد «ولأنظر للمنطقی فی شی ذلك الآ فی كونه كلاماً مخيلاً»

منطقی به شعر از آن جهت که کلام خیالی است نگاه می‌کند. (ابوعلی سینا، منطق شفا، ج ۴، ص ۲۳)

و در فصل سوم از فن نهم منطق شفا، با عنوان گزارشی از چگونگی آغاز پیدایش و گونه‌های آن آمده‌است.

«ان السبب المولد للشعر فی قوّة النّاس شیئان احدهما التذاذ بالمحاكاة و استعمالها منذ الصّبا و ذلك لانّ النفس تنبسط و تلتذ بالمحاكاة و السبب الثاني حبّ النّاس التالیف المتفق و الالحان طبعاً فیمن هاتین العلتین تولد الشعر به و جعلت تمویسیرا یسیراً» (ابو علی سینا، منطق شفا، ج ۴، ص ۳۷)

سببی که موجب تولد شعر در نهاد انسان گردید دو عامل درونی است؛ یکی احساس لذت از محاکات و علاقه به هنر زیبایی از دوران کودکی، دوم دوست داشتن پیوندهای هماهنگ و آهنگ‌های طبیعی. از این دو علت شعر متولد شد و به تدریج رشد پیدا کرد.

تأثیرگذاری شعر

حکمت وجودی شعر در اختیار گرفتن عواطف و احساسات مخاطب است، شاعر با بزرگ‌نمایی و کوچک‌سازی، گاهی از کوهی کاه و از کاهی کوه می‌سازد در حالی که مخاطب با معیار عقلی و منطقی سروده‌های وی را تصدیق نمی‌کند اما احساس رو به شدت، متأثر و منفعل می‌شود گاهی سرودن چند بیت شعر که به پند و اندرز پرداخته چنان تحولی را در درون مخاطب ایجاد می‌کند که ممکن است با ساعت‌ها نصیحت و موعظه به طور عادی حاصل نشود. سروده‌های دوران دفاع مقدس در عصر ما گویاترین دلیل بر مطلب است.

بنابراین برای اینکه بفهمیم کدام شعر بیشترین نقش را برمی‌انگیزد، باید بینیم تخیل حکایتی و تمثیلی کدام، بیشتر است.

ابوعلی سینا می‌نویسد: «لاکن الناس أطوع للتخیل منهم للتصدق و کثیر منهم اذا سمع التصدیقات استنکرها و هرب منها و للمحاكاة شیءین التعجب لیس للصدق» (ابوعلی سینا، منطق شفا، ج ۴، ص ۲۴)

تأثیرپذیری مردم از قضایای تخیلی بیشتر از قضایای تصدیقی است، بسیاری از آنان وقتی مطلب حقی را می‌شنوند حالت انکار و گریز پیدا می‌کنند محاکات اعجابی دارد که هرگز مطلب حق ندارد.

مظفر در فوائد شعر می‌گوید:

فوائد شعر به طور اختصار چنین است

- ۱- برانگیختن حالت حماسی سربازان در جنگ‌ها.
- ۲- برانگیختن حماسه‌های عمومی به خاطر اعتقادات دینی، سیاسی و برانگیختن عواطف برای توجیه انقلاب‌های فکری و اعتقادی.
- ۳- تأیید و حمایت رهبران با مدح و ستایش و تحقیر دشمنان آنان با مذمت و هجو.
- ۴- ایجاد هیجان لذت و خوشحالی و برانگیختن لذت‌ها آن‌گونه که در مجالس غناء اتفاق می‌افتد.

- ۵- ایجاد هیجان حزن و گریه و درد به مانند آن‌چه در مجالس عزاست.
- ۶- تهییج علاقه به دوست و تحریک شهوت جنسی به مانند تشبیب و غزل خوانی.
- ۷- موعظه به منظور پرهیز از انجام منکرات و فرونشاندن آتش شهوات.
- ۸- تهذیب نفس و تمرین و ریاضت دادن نفس برای انجام کارهای خیر مانند حکم و مواعظ و آداب (مظفر، منطق مظفر، ج ۲، ص ۳۰۲).

پیدایش هنر شعر

چنان که در تاریخ آمده پیدایش هنر شعر به عهد حضرت آدم برمی‌گردد. ابن عباس می‌گوید چون هابیل به دست قابیل کشته شد و آدم از آن مطلع گردید شعری بدین مضمون در رثای هابیل سرود:

«تَغَيَّرَتِ الْبِلَادُ وَمِنْ عَلَيْهَا تَغْيِيرُ كُلِّ ذِي لَوْنٍ وَطَعْمٍ»
 «فَوَجَّهَ الْأَرْضَ مَقْبَرِ قَبِيحٍ وَقَلَّ شِبَاشُهُ الْوَجْهَ الْمَلِيحِ»
 شهرها و آنچه بر او بود دگرگون شد صاحب هر رنگ و طعمی نیز دگرگون گشت
 زشت غبار آلود گشت صورت زمین و شادابی صورت ملیح او اندک

(مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۹)

کتاب شعر ارسطو که ابن سینا در فن نهم منطق شفا در ضمن هشت فصل به توضیح و شرح آن پرداخته از جایگاه ویژه و رواج شعر در بین یونانیان حکایت می‌کند. و نیز فن اول و دوم از مقاله چهارم فهرست ابن ندیم در گزارشی از مسأله شعر و شعرا با دو عنوان موضوع را مطرح نموده؛ عنوان اول اخبار علماء و دانشمندان و نام کتابهای آنان پیرامون شعر و شعرا و عنوان دوم نام شعرا و محدثین و مقدار اشعار آنان سندی بر این واقعیت تاریخی است.

و هم‌چنین شیخ عباس قمی در سفینه البحار، ابوابی را آورده مانند باب اولین کسی که در تاریخ شعر گفته و باب یادآوری شعراء حضرت رسول (ص) و فضیلت سرودن شعر در مدح آن حضرت و نیز فضیلت سرودن شعر در رثاء امام حسین (ع) و باب اشعاری که به امیرالمؤمنین نسبت داده شده و باب سروده‌های امام رضا (ع)، همه ابواب بیانگر سابقه تاریخی این هنر است. (سفینه البحار، ج ۲، ص ۸۴۵)

و نیز نویسنده کتاب مستدرک سفینه البحار که تمام مطالب آن مستند به احادیث است در مورد شعر، عناوینی را آورده مانند شعر و شعراء معنای شعر و حدود شعر و فوائد و آداب آن، علاقه رسول الله (ص) به شعر، شعر و احکام آن، شعر چیست و شاعر کدام است، چه نوع شعر مورد ستایش و مذمت است، اشعار حضرت آدم در باب بشارت

به رسالت حضرت محمد(ص)، سروده‌های عموهای پیامبر، اشعار عبدالمطلب، اشعار حضرت خدیجه، اشعار غزوات، اشعار مربوط به غدیر (نمازی، مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۴۷۰) و آنچه سید حسن صدر در فصل ششم از کتاب تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام با ذکر نام ۶۹ نفر از علماء شیعه درباره خلق آثار هنری در عرصه شعر توسط این عالمان بازگو کرده، حکایت از رواج این پدیده هنری دارد.

باری، نگارش کتاب‌های مستقل و مفصل با عنوان کتاب شعر و الشعر و الشعراء که با مراجعه به کتاب مصنفات شیعه ترجمه الذریعة الی تصانیف الشیعه، ص ۳۶۶، سابقه تاریخی و ریشه‌دار بودن این هنر دلالت دارد.

شعر و شعرا از نظر قرآن

پس از ظهور اسلام و راه‌یابی آیات قرآن کریم به محافل ادبی نگاه به شعر دگرگون شد تا آن جا که گروهی از زاهد مسلکان و حتی برخی از شاعران نامی مانند لبید به شعر بی‌رغبتی نشان دادند، به این جهت که ظاهر بعضی از آیات کریمه قرآن و سخنان رسول خدا(ص) و ائمه اطهار(ع) شعر و شاعران را مورد نکوهش قرار داده مانند «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» شعرا کسانی هستند که گمراهان از آنها پیروی می‌کنند. (شعراء/ ۲۲۴) پیامبر اکرم (ص) فرمود: «وَلَمَّا نَبَتِ بَنَاتُ الرَّجُلِ قَبِيحًا خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَمِيلِي شِعْرًا» (حر عاملی، وسائل، ج ۵، ص ۸۳) دل انسان اگر از چرک پر باشه بهتر است از آن که با شعر پر شود.

در حالی که در برخی از روایات شعر و شعرا مورد ستایش قرار گرفته‌اند که گویی اصلاً مذمتی صورت نگرفته.

از ابی سعید خدری نقل شده روزی که پیامبر (ص) در غدیر خم در جمع مردم فرمود «اللَّهُمَّ وَالِّ مَنْ وَالَاهِ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» حستان بن ثابت به محضر رسول الله(ص) رسید و گفت اجازه می‌دهید چند بیت شعر بگویم حضرت اجازه دادند پس از آن رسول خدا(ص) فرمودند «یا حستان لاتزال موبداً بروح القدس» (محمّدی ری شهری موسوعه، ج ۲، ص ۳۱۰) ای حستان همیشه به روح القدس مؤید باشی.

حسن بن جهیم می گوید از امام رضا (ع) شنیدم که می فرمود هر مؤمنی درباره ما به وسیله شعر مدح کند خداوند برای او شهری از بهشت می سازد که هفت مرتبه از دنیا گشاده تر است و او را دیدار می کند هر ملائکه مقربّی و هر پیامبر مرسلی (شیخ یوسف بحرانی، المحقائق الناظره، ج ۱۳، ص ۱۶۳).

شهید مطهری می گوید: مسأله شعر را وقتی انسان مطالعه می کند مسائل عجیبی را می بیند، پیامبر هم با شعر مبارزه کرده و هم شعر را ترویج کرده (مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۲۱) جاذبه و نفوذ قرآن برای همه کس محسوس بود حتی خود مشرکان، شبانه و بطور مخفیانه به نزدیک منزل پیامبر می آمدند تا زمزمه تلاوت او را در دل شب بشنوند لذا بر توجیه این پدیده الهی و اغفال مردم، وحی آسمانی را عنوان شعر و پیامبر را شاعر معرفی می کردند، بدین سبب قرآن می فرماید: «وَمَا عَلَّمْنَا الشَّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ» (یس/ ۶۹) ما هرگز شعر به او نیاموختیم و شایسته او نیست که شاعر باشد.

در سوره الحاقه می فرماید: «أَنَّهُ لَتَوَلَّيَ رَسُولٌ كَرِيمٌ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ» (الحاقه/ ۴۱-۴۰) این قرآن گفتار رسول بزرگواری است و گفته شاعری نیست.

«بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ أَفْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ» (انبیاء/ ۵) آن چه محمد آورده (وحی نیست) بلکه خواب های آشفته است به خدا افترا بسته، نه بلکه او یک شاعر است.

«وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرَاهُ جَادِلًا يُفْتَرِي مَا يُلْقِي وَهُوَ بِالْآيَاتِ كَذِبٌ» (صافات/ ۳۶) و پیوسته می گفتند آیا ما خدایان و بت های خود را به خاطر شاعر و دیوانه ای رها کنیم.

«إِنَّمَا يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (طور/ ۳۰) بلکه آن ها می گویند او شاعری است که ما انتظار مرگش را می کشیم.

«وَالشَّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا» (شعراء/ ۲۲۷-۲۲۴)

شعرا (کسانی هستند که) گمراهان از آن ها پیروی می کنند، آیا ندیدی که آن ها در هر وادی سرگردانند و آن ها سخنانی می گویند که عمل نمی کنند مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، خدا را بسیار یاد می کنند.

در تمام قرآن در شش آیه موضوع شعر مطرح شده، در بین این آیات، آیات سوره شعراء، بیشترین بحث را به خود اختصاص داده.

برخی از مفسرین می‌گویند منظور از اَلشُّعْرَاءُ بَتَّبِعَهُمُ الْغَاوُونَ، شعراء مشرک هستند. ابن عباس می‌گوید منظور از شعرا در آیه شعراء مشرکین هستند که گمراهان از آنان تبعیت می‌کنند. (طبرسی، مجمع‌البیان ج ۷، ص ۲۰۸)

زیان کاران و سفیهان عرب شاعران مشرک را پیروی می‌کنند. (فتح الله کاشانی، منهج الصادقین، ج ۵، ص ۴۹۲)

منظور از شعرا در آیه شعراء مشرکین هستند. (ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۰، ص ۶۶۰)

ولکن بیشتر مفسرین می‌گویند این آیه پاسخ از تهمتی است که مشرکین به رسول خدا(ص) می‌زدند. و او را شاعر می‌خواندند (طباطبائی، المیزان ج ۱۵، ص ۲۶۹ ترجمه فارسی)

در تفسیر نمونه آمده این آیه به پاسخ یکی دیگر از تهمت‌های کفار به پیامبر اسلام(ص) که او را شاعر می‌خواندند می‌پردازد. (ناصر مکارم، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۰۴۰)

در واقع آیه می‌گوید پیامبر شاعر نیست که گمراهان از او تبعیت کنند و یاران پیامبر اصلاً گمراه نیستند چون خطامشی پیامبر از خط شعر جدا است زیرا شعرا در عالم خیال و پندار حرکت می‌کنند ولی او در عالم مملو از حقیقت و واقع‌بینی برای نظام بخشیدن به جهان انسانی. دقت در مجموعه آیات نشان می‌دهد که این آیات به هیچ وجه در مقام مزیت شعر و محکومیت شعرا نیست. بلکه قرآن بر این نکته تأکید دارد ماهیت قرآن ماهیت شعری نیست و نه پیامبر شایسته شاعری. اما این که چرا شعر و شاعری شایسته پیامبر نیست:

۱- معمولاً سرچشمه‌ی شعر، تخیل و پندار است در حالی که وحی از مبدأ هستی سرچشمه می‌گیرد و بر محور واقعیت‌ها می‌گردد.

۲- شعر از عواطف متغیّر انسانی می‌جوشد و دائماً در حال دگرگونی است ولی وحی بیانگر حقایق ثابت آسمانی است.

۳- لطف شعر در بسیاری از موارد در اغراق گوئی‌ها است تا آن‌جا که گفته‌اند «احسن الشعر اکذبه» بهترین شعر دروغ‌آمیزترین آن است در حالی که وحی جز صداقت نیست.

۴- شعر مجموعه‌ای از شوق‌ها و تخیلات است که از زمین به سوی آسمان پرواز می‌کند و لکن وحی مجموعه حقایقی است که از آسمان به زمین نازل می‌گردد.

شعر و دلیل طرح آن در ابواب فقهی کتب شیعه

در میان علما متداول است که در آغاز هر علمی اموری را با عنوان مبادی علم مطرح می‌نمایند که پیشینیان از آن مبادی به رؤس ثمانیه یاد می‌کردند و لکن دانشمندان متأخر معمولاً سه امر از امور هشتگانه را که از اهمیت بیشتری برخوردار هستند به بحث می‌گذارند: یکی تعریف علم، دیگری موضوع علم و سوم فایده‌ی علم.

موضوع علم فقه عبارت است از تکلیف انسان به اعتبار اعمال و رفتار او؛ یعنی فقه به بیان وظیفه انسان مسلمان می‌پردازد که در هر مورد چه وظیفه‌ای دارد، عملی که از انسان سر می‌زند دارای چه حکمی از احکام است (و جوب، حرمت، استحباب، کراهت، اباحه).

و شعر گفتن و شعر خواندن نیز عملی از اعمال انسان است که باید حکم آن را بدانند و مطابق آن عمل کنند.

لذا اولاً باید دید مسأله شعر در کدام باب از ابواب فقهی شیعه و اهل سنت قرار گرفته و ثانیاً در مورد مشروعیت و عدم مشروعیت آن بحث کرد.

طرح شعر در ابواب فقهی شیعه

فقه‌های شیعه مسأله شعر را در ابواب مختلفی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

۱- شعر خواندن

در شب و روز ماه رمضان و در حال روزه‌داری «عن حماد بن عثمان و غیره عن ابی عبدالله قال لا ینشد الشعر باللیل و لا ینشد فی شهر رمضان بلیل والنهار» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۱)

حماد بن عثمان و دیگران از امام صادق (ع) نقل کرده‌اند که حضرت فرمودند: نباید در شب و نیز نباید در شب و روز ماه رمضان شعر خوانده شود.

صاحب جواهر می گوید کراهت بعید نیست زیرا در این باب از سوی ائمه علیهم نهی وارد شده. (جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۰).

۲- شعر خواندن در مسجد

با توجه به این که مساجد ساخته شده‌اند برای بندگی و عبادت خداوند، آیا می‌شود در مسجد شعر خواند «عن علی بن جعفر عن اخیه موسی (ع) قال سألته عن الشعر ایصلح آن ینشد فی المسجد فقال لا بأس» (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۹۳)

علی بن جعفر (ع) می گوید از برادرم موسی بن جعفر (ع) سؤال کردم آیا صلاح است که در مسجد شعر خوانده شود، حضرت فرمود اشکالی ندارد.

صاحب جواهر می گوید مقام ارجمند علی بن جعفر (ع) ایجاب نمی‌کرد که از حرمت سؤال کند؛ چون می‌دانسته شعر حرام نیست لذا او با تعبیر «ایصلح» از کراهت سؤال نموده و حضرت با جمله «لا بأس به» فرموده، کراهتی ندارد (صاحب جواهر، جواهر الکلام ج ۱۴، ص ۱۲۰).

۳- باب شهود

یکی از شرایط مسلم شاهد در باب شهادت، عدالت است. آن چه مربوط به این بحث است این که؛ آیا کسی که شعر خواند از عدالت خارج می‌شود، آیا شهادت او پذیرفته است. شهید ثانی می گوید کشیدن صدای مطرب همراه با گرداندن صدا در حلق چه در قالب شعر باشد یا قرآن، فاعل آن فاسق و شهادتش پذیرفته نیست. (شهید ثانی، سالک الافهام، ج ۱۴، ص ۱۸۰).

۴- قراءت شعر در شب و روز جمعه

در متون دینی برای شب و روز جمعه اعمالی وارد شده، آیا اگر کسی در شب و روز جمعه شعر بخواند به حظ معنوی این شب و روز می‌رسد؟

زراره از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود هر کسی در روز جمعه بیت شعری بخواند، بهره او از این روز همان شعر خواهد بود. (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۸۴)

۵- خواندن شعر در حال سفر

شیخ حرّ عاملی در کتاب وسائل الشیعه، بابی دارد به نام باب استحباب کمک گرفتن در سفر به حداء و شعر، نوفلی از سکونی و او از امام صادق (ع) روایت کرده که پیامبر (ص) فرمود:

«زادالمسافر الحداء و الشعر ماكان ليس فيه خنساء» (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۶) توشه مسافران، آواز و سفر خوانی است مادامی که باطلی در آن نباشد.

۶- خواندن شعر در حال احرام

در حال پوشیدن لباس احرام و پس از آن، پیوند عمیقی بین بنده و خالق برقرار می‌شود. هم اکنون بحث این است که آیا در این حالت‌های معنوی، خواندن شعر کراهت دارد؟

شیخ حرّ عاملی در وسائل، بابتی باز کرده به نام باب بقیه مواردی که در آنها کراهت وجود دارد، که یکی از آن موارد قراءت شعر در حال احرام است. از حماد بن عثمان نقل شد که گفت من شنیدم از امام صادق (ع) که فرمود روایت شعر برای مُحَرِّم کراهت دارد (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۸۳)

۷- خواندن شعر در حرم

از طریق حماد بن عثمان نقل شده که امام صادق (ع) فرمود «تکره روایة الشعر فی الحرم» روایت شعر در حرم مکروه است. (شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه ج ۵، ص ۸۳).

۸- شعر در حال طواف

از علی بن یقطین نقل شده که گفت من از موسی بن جعفر (ع) سؤال کردم از گفتگو و خواندن شعر در حال طواف، فرمود: «لابأس به» اشکالی ندارد. (شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۶۴).

صاحب جواهر می‌فرماید مراد از «لا بأس» نفی کراهت است نه نفی حرمت (صاحب جواهر، جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۰).

۹- هجاء مؤمنین به شعر

هجاء که به معنی توهین و رسوا کردن مؤمن است از محرّمات قطعیه است و حرمت آن به اذله اربعه به اثبات رسیده البته هجاء محرّم اختصاص به قالب شعری ندارد، با نثر و اشاره که باشد حرام است لذا شیخ اعظم انصاری می‌گوید اختصاص هجو محرّم به شعر خالی از تأمل نیست (شیخ انصاری، مکاسب، ج ۴، ص ۱۳).

۱۰- تشبیب به شعر

از جمله کسب‌های حرام تشبیب است. تشبیب در لغت، عبارت است از این که اشعار خود را به یاد زنان زینت دهد (سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج ۱، ص ۹۲۴).
 شیخ انصاری می‌گوید آن گونه که در کتاب «جامع المقاصد» آمده تشبیب یعنی ذکر محاسن خانم معروف و مؤمنه و محترمه و اظهار علاقه شدید در قالب شعر که حرام است. (شیخ انصار، مکاسب، ج ۲، ص ۱۹۵).

شعر و فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت و جماعت نیز در موارد مختلف مسأله شعر را به بحث گذاشته.

شعر مباح

«لَیس فی اباحۃ الشعر خلاف» در اباحه شعر، هیچ اختلافی نیست (ابن قدامه مغنی، ج ۱۲، ص ۴۵) گفتن و خواندن شعر، مباح است در صورتی که در آن ناسزا نباشد. پیامبر (ص) شعر را می‌شنید و تقاضای سرودن شعر می‌نمود آن گونه که رسول خدا (ص) به حسان بن ثابت دستور داد با اشعارش، مشرکین را هجو کند. (نوری، صحیح مسلم، ج ۱۵، صص ۱-۱۶).

آن چه از کلام علما بدست می‌آید این که قراءت شعر در مسجد زمانی که بیش از اندازه نباشد، منعی ندارد (ابن حجر فتح الباری، ج ۱۰، ص ۶۵۹).

شعر واجب

عموم فقها گفته‌اند در جایی که به وسیله شعر، قواعد عربی شناخته شود که به وسیله قواعد عربی به قرآن و سنت و حلال و حرام، آگاهی حاصل گردد سرودن و قراءت شعر واجب کفائی است. (محمد امین عابدین، رد المحتار، ج ۱، ص ۱۱۵).

شعر مستحب

جایی که شعر متضمن یاد خدا و ستایش و ثناء خدا و رسولش باشد قراءت شعر مستحب است (احمد الانصاری، تفسیر قرطبی، ج ۱۳، ص ۱۴۶).

شعر حرام

زمانی که شاعر توصیف کند حرامی مانند خر را و یا هجو کند مسلم و یا ذمی را، گفتن و قراءت شعر حرام است. (ابن شهاب معروف به شافعی صغیر، نهاية المحتاج، ج ۸، ص ۲۸۳).

شعر مکروه

شعر مکروه شعری است که انسان به آن مداومت داشته باشد. (ابن قدام المغنی، ج ۹، ص ۱۷۸).

زیاده روی در شعر که به آن نیازی نیست مکروه است. (محمد امین عابدین، رد المحتار، ج ۱، ص ۳۲).

یادگیری شعر

یادگیری شعر از نظر فقها مباح است مادامی که در آن باطل و شرّی نباشد. (محمد امین عابدین، رد المحتار، ج ۱، ص ۳۲).

قراءت شعر در مسجد

جمهور و فقها می گویند معیار در جواز و عدم جواز، مضمون و محتوی شعر است. اگر مضمون شعر نیکو باشد قراءت آن در مسجد منعی ندارد (احمد الانصاری القرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۱۲، ص ۲۷۱).

خواندن شعر در حال احرام

بستگی به نوع شعر از نظر محتوی دارد، نوع شعری که بر شخص محلّ جایز است بر مُحَرّم نیز جایز است. (الموسوعة الفقیهه، ج ۲۶، ص ۱۲۰).

مهریه قرار دادن شعر

شافعی قرار دادن تعلیم شعر را به عنوان مهریه صحیح می‌داند. (الموسوعة الفقیهیه، ج ۲۶، ص ۱۲۰).

سرقه کتاب شعر

شافعی تصریح کرده به قطع دست سارقی که کتب تفسیر، حدیث، فقه، شعر را به سرقه برده باشد. (الموسوعة الفقیهیه، ج ۲۶، ص ۱۲۰).

اعتراف شاعر به حد

اگر شاعر در قالب شعر به حدی از حدود الهی اقرار کند اجرای حد لازم است. (ابن عربی، احکام القرآن، ج ۳، ص ۴۶۵).

شهادت شاعر

شاعری که با شعرش مرتکب گناهی نشده در پذیرش شهادت و عدم پذیرش شهادت او بین حنیفه و مالک اختلاف است. (محمد امین عابدین، رد المحتار، ج ۱، ص ۴۶۳).

اشتغال به شعر

کسی که در گفتن شعر افراط کند و شعر را به عنوان شغل انتخاب کند، جایز نیست. شاعری از این قبیل به محضر رسول الله (ص) آمد. پیامبر (ص) فرمود شیطان را بگیرد. و کسی که به شعرش ایمان دارد و در مقام حمد و ستایش و مدح پیامبر باشد اشتغال به چنین کاری مشروع است. عکرمه می‌گوید شاعری در حضور پیامبر (ص) شعری خواند، پیامبر (ص) فرمود: یا بلال اقطع عنی لسانه (کنایه از صله)، بلال به او چهل درهم داد. (محمد امین عابدین، رد المحتار، ج ۵، ص ۲۷۲).

مخالفان اصل مشروعیت شعر

به رغم تأثیر شعر و کارآیی آن در عصرهای گوناگون و رویکرد عمومی به آن، کسانی در اصل مشروعیت شعر تردید دارند. اکنون مهم‌ترین دلایل آنان را برمی‌شماریم و سپس به نقد و بررسی خواهیم پرداخت.

دلیل اول

بنای شعر و شاعری برخیال پرداززی، اغراق، مبالغه و تخیلات است و شعر به گونه‌ای یک نوع دروغ است تا آن‌جا که ملاک قوت و تأثیرگذاری شعر را در دروغ و مبالغه‌آمیزی بودن، دانسته‌اند.

مجلسی می‌گوید اکثر شعر از شیطان است زیرا که غالباً مشتمل بر دروغ و تحریک شهوات زنان و مردان است. (مجلسی، روضة‌المتقین، ج ۱۳، ص ۴).

شهید مطهری می‌گوید مراد از تخیلات، همان تشبیه‌های مبالغه‌آمیزی است که در اشعار آورده می‌شود تا آن‌جا که گفته شده «احسن الشعر اکذبه» بهترین شعرها دروغ‌ترین آنها است، چون هر چه دروغ‌تر باشد قشنگ‌تر می‌شود؛ مثل این شعر فردوسی:

ز سَم ستوران در آن پهن دشت زمین شد شش و آسمان گشت هشت

هر کسی بشنود می‌گوید به‌به! اما چقدر دروغ است، دروغ دیگر از این بزرگ‌تر نمی‌شود گفت مگر با به هم ریختن چند اسب در محدوده بسیار کم و گرد و خاک کردن سم‌های آنان، آسمان هفت طبقه، هشت تا می‌شود و زمین هفت طبقه شش تا؟ (مطهری، آشنایی با قرآن، ص ۲۴۲).

دلیل دوم

گرچه قرآن با اصل شعر مخالفتی ندارد و به طور صریح آن را منع نکرده و لکن به طور ضمنی، شعر و شاعری را مذمت کرده و آن را موجب منقصت می‌داند «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (شعراء/ ۲۲۴).

وقتی کافران و مشرکان به انگیزه تحقیر، قرآن را شعر و پیامبر(ص) را شاعر نامیدند خداوند آن دو را از این نسبت دور می‌کند و به صراحت شعر و شاعر را از آنان نفی می‌کند. «وَمَا عَلَّمْنَا الشَّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ» (بس / ۶۹).

دلیل سوم

شعر در روایات نیز مورد نکوهش قرار گرفته، در حدیث صحیح از عبدالرحمن بن حجاج از جعفر بن ابراهیم و از امام سجاده(ع) نقل کرده که فرمود رسول خدا «مَنْ سَمِعْتُمُوهُ يُنْشِدُ الشَّعْرَ فِي الْمَسْجِدِ فَقُولُوا فَضَّ اللَّهُ فَاكَ أَنْمَا نَصَبَ الْمَسَاجِدَ لِلْقُرْآنِ» (حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۹۲) «هرگاه شنیدید که شخصی در مسجد شعر می‌خواند به او بگوئید خداوند دهانت را بشکند مسجدها جای قرآن است».

در حدیث مناهی آمده «تَهِی رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُنْشِدَ الشَّعْرَ فِي الْمَسْجِدِ» رسول خدا(ص) از خواندن شعر در مسجد نهی فرموده. (همان)
رسول خدا(ص) فرمود هر کس در روز یا در شب به شعر باطلی تمثال کند، خداوند نماز او را در آن روز و شب نخواهد پذیرفت (حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۸۳).

دلیل چهارم

دوری و اجتناب صحابه از شعر و شاعری با نزول قرآن و قراءت آیات آن در جامعه شعر و شاعری، کم رنگ و بازار شاعران، بی‌رونق شد تا آن جا که شاعر زبردست و بلند آوازه عصر عرب جاهلی به نام لبید که شعر او را برگزیده و بر دیوار کعبه آویخته بودند به نقل از رسول خدا(ص) راست‌ترین سخنی را که عرب گفته در شعری چنین آورد:

«أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مَا خَلَقَهُ اللَّهُ بَاطِلٌ وَكُلُّ نَعِيمٍ لِمَحَالَةِ زَايِلٍ»
هر چیزی جز خدا باطل است و هر نعمتی بدون تردید زایل شدنی است

او پس از نزول قرآن به اسلام گروید و به مدینه مهاجرت کرد و از سرودن شعر منصرف شد و می‌گفت با وجود آیاتی مانند سوره بقره، دیگر شعر جایی ندارد.

شهید مطهری می‌گوید لبیدبن زیاد از شعرای درجه اول عرب است، پس از نزول قرآن وقتی مسلمان شد به کلی دیگر شعر نگفت و دائماً کارش قرآن خواندن بود (مطهری، آشنایی با قرآن، ص ۲۴۶).

دلیل پنجم

توجه بیش از اندازه به شعر و شاعری و کنار گذاشتن آیات قرآن و احادیث و به خدمت گرفتن شاعران توسط حاکمان و صاحبان زر و زور و کسب معیشت از راه شعر و شاعری (ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۰، ص ۶۷۱).

نقد و بررسی دلایل مخالفت با شعر

بررسی گونه‌های مخالفت با شعر و شاعر، چنین وانمود می‌کند که هیچ یک از این دلایل بر ممنوعیت حرمت، حتی کراهت شعر در شریعت دلالت نمی‌کند. نقد دلیل اول گفته‌اند شعر به گونه‌ای دروغ و شاعر دروغ گوست و جمله مشهور «احسنه اکذبه» زیباترین آن‌ها دروغ‌ترین است و یا جمله «اکذبه اعذبه» دروغ‌ترین شعر گواراترین است.

در نگاه اول مؤید مخالفان اصل مشروعیت شعر را حکایت می‌کند اما با اندکی دقت معلوم می‌شود که نه تنها مؤیدی برگرفته مخالفان نیست که صرفاً ماهیت شعر را بازگو می‌کند. منطقیان از این اشکال پاسخ گفته و اظهار کرده‌اند که شعر اخبار و گزارش از واقع نیست تا مطابقت و مخالفت آن با واقع معیار صدق و کذب قرار گیرد، بلکه حقیقت شعر منقوم به خیال پردازی است تا احساس مخاطب را تسخیر کند.

مرحوم مظفر می‌گوید با توجه به این‌که شعر حقیقت منقوم به خیال است بنابراین ایراد بعضی از ادبا و محدثین بی‌مورد است (منطق مظفر، ج ۲، ص ۳۰۶).

در مقوله شعر، شاعر بر پایه مبالغه و زیاده‌گویی، محبوب خود را مثلاً به ماه تشبیه می‌کند، در این‌جا تشبیه کردن محبوب به ماه کذب نیست بلکه مراد جدی شاعر با مراد استعمالی او تفاوت می‌کند و این کذب محسوب نمی‌شود. نظیر آن‌چه در علم اصول در بیان فرق بین مراد جدی و مراد استعمالی گفته شده شاید گوینده‌ای کلمه‌ای را به

دروغ و مجاز به کار ببرد که مراد جدی او نباشد و نظیر پرسش‌گر که از جهتی صادق و از جهتی کاذب به شمار می‌رود زیرا استفهام با دلالت التزامی از جهل گزارش می‌دهد. شاید بتوان صدق و کذب در شعر را به حسب مراد استعمالی و مراد جدی از جهتی به سخن سکاکی در باب حقیقت و مجاز تشبیه کرد که به جای مجاز معتقد به حقیقت ادعائیه است.

یعنی او می‌گوید ما اول مرد شجاع را آسد فرض می‌کنیم سپس می‌گوئیم زید آسد با این وصف گفتن زید آسد دروغ نیست.

شهید مطهری در توضیح مطلب که بیان شعر دروغ تلقی نمی‌شود با ذکر دو بیت شعر یارب چه چشمه‌ای است محبت که من از آن یک قطره آب خوردم و دریا گریستم طوفان نوح زنده شه از آب چشم من با آنکه در غمت به مدارا گریستم

می‌گوید بسیار جذاب و شیرین است ولی به همان دلیل که خیلی دروغ است خیلی شیرین است و البته این دروغ هم نیست و شرعاً هم دروغ محسوب نمی‌شود بلکه هنر است و یک نوع زیباسازی سخن بشمار می‌آید. (اشنایی با قرآن ص ۲۴۳)

مثلاً «محتشم کاشانی» در بیان اوج تشنگی خاندان امام حسین(ع) در روز عاشورا می‌گوید:

ز آن تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد فریاد العطش ز بیابان کربلا

چقدر این مرثیه جذاب، تأثیرگذار و ماندگار است و بارها شنیده شده اما هنوز از جذابیت خاصی برخوردار است.

حال، آیا به راستی هنوز هم فریاد العطش تشنگان کربلا به عیوق که یکی از دوردست‌ترین ستاره‌ها شناخته می‌شود، می‌رسد؟ اگر کسی به مراد استعمالی محتشم نظر کند آن را خلاف واقع و دروغ می‌داند ولی بر مبنای مراد جدی وی، معنی در اوج هنر و زیباسازی است.

این نکته که شعر هنر متقوم به خیال است هرگز دروغ تلقی نمی‌شود، از نظر فقها نیز دور نمانده و فقهاء در مواردی از جمله در باب شهادت مسأله را متعرض شده‌اند.

شهید ثانی می‌گوید چه بسا شعر مطلقاً به کذب ملحق نشود؛ زیرا کاذب کسی است که گفته خود را راست می‌بیند و آن را ترویج می‌کند در حالی که، هدف شاعر این

نیست که شعر او راست تلقی شود بلکه، غرض شاعر اظهار این هنر است. بنابراین خواندن شعر با عدالت شاعر منافاتی ندارد. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱۴، ص ۱۸۲).
 محقق سبزواری نیز مطلب فوق را مورد تأیید قرار داده و ملاک کذب فقهی را که باعث فسق و سقوط عدالت است در شعر منتفی می‌داند. (محقق سبزواری، کنایة الاحکام، ص ۲۸۲).

مرحوم نراقی می‌گوید شعر که یکی از صناعات خمس است از این حکم (کذب) استثناء است. (مهدی نراقی، مستندالشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۶).

نقد دلیل دوّم

در شش آیه‌ای که مسأله شعر و شاعر مطرح شده، در هیچ کدام از آیات حتی به صورت ضمنی، شعر و شاعر مورد نکوهش قرار نگرفته است. آیات کریمه قرآن مانند آیه ۶۹ سوره یس «وَمَا عَلَّمْنَا الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ» می‌گوید ما به او (پیامبر) شعر یاد ندادیم و شایسته او هم نیست که شعر بداند.

بدیهی است که این نقص و عیب به شمار نمی‌آید بلکه عظمت و قداست و امتیاز پیامبر را نشان می‌دهد چنان که امی بودن و استاد نداشتن و مکتب نرفتن و یا خط نوشتن نیز کمال و امتیاز پیامبر بوده علامه طباطبائی می‌نویسد جمله «وَمَا يَنْبَغِي لَهُ» (المیزان، ج ۱۳، ص ۱۰۸) در مقام منت‌گزاری بر پیامبر (ص) است که او را از شعر و شاعری منزّه کرده و مقام او را بالا برده است.

و در تفسیر قمی نیز آمده «لَمْ يَقُلْ رَسُولُ اللَّهِ شِعْرًا قَطُّ» (المیزان، ج ۱۷، ص ۱۱۷) هرگز پیامبر شعر نگفت.

طبرسی در مجمع و ابن حجر در فتح الباری در ذیل آیه شریفه ۶۹ از سوره یس آورده‌اند که پیامبر (ص) فرمود «أَنْتِي لَسْتُ بِشَاعِرٍ وَمَا يَنْبَغِي لِي» (مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۳۸، فتح الباری ج ۱۰، ص ۶۶۲) من شاعر نیستم و شاعری برای من سزاوار نیست.

بنابراین درست است که پیامبر (ص) هرگز شعری را نسروده و شاعر نبوده اما این مسأله باعث نمی‌شود که مطلق شعر را، مذموم و شاعران را نکوهش کنیم زیرا شعر و

شاعری همانند درس خواندگی و خط نوشتن متناسب با شخصیت فوق العاده پیامبر(ص) نبوده، نه آن که برای دیگران نیز شعر و شاعری ناشایست باشد. بنابراین قرآن کریم نه به طور صریح و نه به طور ضمنی شعر و شاعری را مورد نکوهش قرار نداد.

ابن خلدون می نویسد تا آن گاه که با حقیقت اسلام و قرآن آشنا شدند و مطمئن شدند که قرآن با اصل شعر مخالفتی ندارد و آن را منع نکرده است و خود پیامبر(ص) شعر و شاعران را در مناسبت های مختلفی می شنید و گاهی به آنان پاداش می داد کم کم بار دیگر شاعران جرأت پیدا کردند که با احتیاط شعر بسرایند. (ابن خلدون، مقدمه ج ۲، ص ۱۲۴۲).

با این که شاعران توانای عرب مرعوب و مدهوش فصاحت و بلاغت ادبی قرآن کریم شده بودند و نگران مخالفت قرآن با شعر بودند و لکن هیچ گاه قرآن نه به طور صریح و نه ضمنی مخالفت نکرد و تنها شعر منحنط و تخریب کننده افکار و مهتج کننده شهوات و منحرف کننده اذهان را محکوم کرد.

نقد دلیل سوم

ظاهر احادیث یاد شده بیانگر مذمت و نکوهش شعر و شعرا است و لکن باید بدانیم حداکثر چیزی که فقها از این نوع احادیث استفاده کرده اند کراهت است آن هم در صورتی که قراءت شعر در مساجد کمترین سود را داشته باشد و چنان چه در مساجد از شعر به عنوان شاهد مثال برای کتاب خدا و یا سنت رسول الله(ص) استفاده شود مباح است و کراهتی ندارد. (محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۵۱).

و ثانیاً در بعضی از روایات به طور صریح قراءت شعر در مساجد بدون اشکال شمرده شده، علی بن جعفر(ص) از برادرش موسی بن جعفر(ع) نقل کرده می گوید سؤال کردم «أینشد الشعر فی المسجد قال لا بأس به» آیا جایز است قراءت شعر در مسجد، فرمود منعی ندارد. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۶۳)

شهید اول می نویسد چگونه می توان گفت انشای شعر در مسجد اشکال دارد در حالی که در نزد پیامبر(ص) در مساجد بیت و یا ابیاتی قراءت می شد و آن حضرت منع نمی کرد. (ذکری، ج ۳، ص ۱۲۴)

مجلسی می‌گوید چگونه می‌شود گفت قراءت شعر در مساجد کراهت دارد در حالی که اشعاری که علی(ع) به آن‌ها در خطبه‌های خود تمثیل می‌جست غالباً در مسجد بوده با مراثی امام حسین(ع) در قالب اشعار و مدح و ستایش ائمه(ع)، همگی عبادت عظیمه‌ای است که جای آن عبادات مساجد است، آن گونه که علی بن یقین می‌گوید از موسی بن جعفر(ع) سؤال کردم از قراءت شعر در حال طواف، فرمود «لابأس به» منعی ندارد. (بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۶۳)

ثالثاً در برخی از احادیث نه این که مذمت و نکوهش از شعرا صورت نگرفته چه بسا ستایش هم شده و برای آنانی پاداش الهی تعیین گردیده است. محمد بن سلم از امام باقر(ص) نقل کرده که حضرت فرمود رسول خدا(ص) در روز فتح مکه وارد خانه کعبه شدند و مردم گروه گروه می‌آمدند و بر حضرت سلام می‌کردند تا این که گروهی به نام بکر بن وائل وارد شدند حضرت پیامبر(ص) فرمود: آیا کسی از قس بن ساعده خبری دارد؟ عرض کردند فوت کرده حضرت فرمود خداوند رحمت کند قیس را در روز قیامت به صورت یک امت محشور می‌شود. (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۴۸).

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا آورده عبدا... بن فضل هاشمی نقل کرده که حضرت صادق(ع) فرمود: «مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتَ شَعْرِ بَنِي اللَّهِ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ» (یوسف بحرانی، الحدائق الناظرة، ج ۱۳، ص ۱۶۳) کسی که درباره ما بیت شعری بگوید خداوند برای او خانه‌ای در بهشت می‌سازد.

حسن بن جهم می‌گوید از امام رضا(ع) شنیدم که می‌فرمود کسی که در مدح ما شعری بگوید خداوند برای او شهری در بهشت می‌سازد که هفت بار از دنیا وسیع‌تر است و او را هر ملائکه مقربی و پیامبر مرسلی دیدار می‌کند. (همان)

نقد دلیل چهارم

بر فرض که بعضی از صحابه از سرودن و گفتن شعر دوری کرده باشند نمی‌تواند دلیلی بر عدم مشروعیت شعر باشد زیرا اعراض بعضی صحابه و عمل آنان حجیتی برای ما ندارد، آنچه برای مسلمانان حجیت و اعتبار دارد گفتار، عمل و تقریر پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) است و چنان چه در مباحث قبلی گذشت پیامبر اسلام(ص) هم در

گفتار و هم در عمل، شعر و شاعری را تأیید می‌کردند و به اصحاب خود مانند حستان بن ثابت دستور می‌دادند شعر بگویند و مشرکین را هجو کنند؛ حتی در برخی از صحاح اهل سنت اشعاری به پیامبر نسبت داده شده مثلاً از قول سربازی در میدان جنگ نقل شده که وقتی پیامبر (ص) پایش برخورد کرد به زمین و انگشتش خونی شد فرمود:

«قُلْ أَنْتَ الْكَاصِبُ رِمِيَتْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ مَا لَقِيَتْ»

(ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۰، ص ۶۵۸)

در عیون اخبار الرضا آمده:

روزی مأمون به علی بن موسی الرضا (ع) گفت: آیا تاکنون شعری سروده‌ای؟ حضرت فرمود: بسیار. مأمون گفت: بهترین شعر را در باب حلم برایم بگو؟ حضرت رضا (ع) این شعر را فرمودند:

«إِذْ كَانَ دُونِي مَنْ يَبْهَلُهُ أَيْبَتُ لِنَفْسِي أَنْ تَقَابِلَ بِالْجَهْلِ»

(شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۸۴۶)

«هر گاه در نزد من شخصی مرا به نادانی آزمایش کند من خود را از او دور می‌کنم از این‌که مقابله کنم به نادانی».

نقد دلیل پنجم

هیچ‌گاه نمی‌توان توجه بیش از حد بعضی به شعر و شاعری و سوء استفاده برخی از افراد و به خدمت گرفتن شاعران توسط حاکمان زر و زور این هنر را به طور کلی مردود دانست و با آن مخالفت ورزید، بلکه باید برابر منطق عالی قرآن میان انواع شعر و سراینندگان آن تفصیل داد. شعرهای نیکو و آمرزنده را از شعرهای زشت و فسادانگیز جدا ساخت و هرگز وقوع خلاف و افراط در یک گروه یا راه‌یابی دروغ در یک فن را نمی‌توان ملاک قضاوت در محکومیت کلی آن دانست مثلاً وقوع تحریف در احادیث و وجود ضاعین امر مسلمی است ولی به هیچ وجه این امر باعث نمی‌شود محدثین بزرگوار و احادیث را کنار گذاشت.

فقه و اصل مشروعیت شعر

فقیهان تصریح کرده‌اند که اصل شعر را که کلام مخیل موزون مقفی است و بخشی از صناعات خمس منطبق به شمار می‌رود و با عاطفه و احساس مخاطب ارتباط مستقیم دارد با قطع نظر از محتوی و مضمون و عوامل خارجی هنری مباح و جایز است و هیچ اختلافی بین فقها در اصل مشروعیت آن وجود ندارد.

محقق سبزواری می‌نویسد سرود شعر و خواندن و گوش دادن جایز است «لا أعرَفُ خلافُ فيه».

و من خلافی در آن ندیدم و دلیل آن تقریر و فعل پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) است. (کفایة الاحکام، ص ۲۸۲).

سرودن و خواندن و گوش دادن به شعر جایز است چگونه جایز نباشد در حالی که پیامبر(ص) شعرائی مانند حسان بن ثابت و عبدالله رواحه داشته که به شعر آنان گوش می‌دادند. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱۴، ص ۱۸۱).

قرائت و سرودن شعر مباح است (محمدالزهري، السراج الوهاج، ص ۶۰۴).

«لَيْسَ فِي إِباحَةِ الشَّعْرِ خِلافٌ» در اباحه شعر هیچ اختلافی نیست. (ابن قدامه، سخن، ج ۱۲، ص ۴۳ و ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۰، ص ۵۳۹).

انواع شعر

پس از آن که ثابت شد هیچ اختلافی در اصل اباحه و جواز شعر بدون توجه به محتوی میان فقهای اسلامی وجود ندارد به بررسی انواع شعر از دیدگاه فقهی به لحاظ محتوای آن می‌پردازیم.

شعر باطل یا نامشروع

هرگاه شاعری در شعر خود از واژه های رکیک و زننده استفاده کند یا شعر هجوی که مشتمل بر بدگویی، بیان عیب و نقص دیگران باشد و پیامد آن لکه‌دار کردن حیثیت افراد و بی‌حرمتی آنان باشد یا شعر تشبیبی، شعری که حاوی سخنان شهوت انگیز و

مفسده‌زا و موجب اغواء جوانان باشد که به بی‌بند باری و به فحشا کشاندن انسان‌ها بینجامد، به هر حال اسلام با هر شعری که دارای پیامدهای منفی و ضد انسانی و اخلاقی باشد آن را حرام و بعضاً گناه کبیره دانسته و درآمد حاصل از آن را نیز حرام و شهادت چنین شاعری را به دلیل فسق او نمی‌پذیرد.

شعری که متضمن دروغ یا هجو مؤمن یا تشبیب به زن معروفه‌ای که برای او حلال نمی‌باشد، حرام است. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱۴، ص ۱۸۱).

خواندن و سرودن شعر مباح است مگر آن که متضمن فحش یا تعریض به زن معینه‌ای باشد. (محمدالزهري، السراج الوهاج، ص ۶۰۴).

خواندن شعر مکروه است و شافعی گفته زمانی که شعر متضمن هجو و تشبیب به زنان نباشد و الا حرام است. (شیخ طوسی، الخلاف، مسئله ۵۶، ج ۲، ص ۶۲۷).

شعر مشروع

فقهای شیعه درباره شعر مشروع یا غیرباطل آرای مختلفی دارند.

کراهت مطلق

شیخ طوسی به رغم آن که در اصل مشروعیت با شهور فقها همراه است ولیکن در مکروه بودن شعر به طور کلی نظر ویژه‌ای دارد و می‌گوید از آیه مبارکه «و الشعراء یَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ».

و از عموم روایات استفاده می‌شود که شعر مشروع و حق به طور مطلق مکروه است. «تَحْنُ حَمْلَهُ عَلٰی عُمُومِهِ وَ لَا نَخْصَهُ اِلَّا بِالذَّكْلِیْلِ» (شیخ طوسی، الخلاف، ج ۲، ص ۶۲۷) ما روایات را بر عموم حمل می‌کنیم و تخصیص نمی‌زنیم مگر با وجود دلیل.

در بحث شهادت نیز گفته است: «الشَّعْرُ لَمْ یَكُنْ فِیْهِ هِجُوٌّ وَ لَا تَشْبِیْبٌ بِأَمْرْتِهِ لَا یَعْرِفُهَا وَ لَا كَذِبٌ مِّبَاحٌ عَلٰی كِرَاهِیَّةِ مَنْه عِنْدَنَا» (شیخ طوسی، المبسوط، ج ۸، ص ۲۲۵) تا زمانی که شعری مشتمل بر فحش و هجو و تشبیب و دروغ نباشد، جایز است اما از نظر ما، کراهت دارد.

نقد نظریه شیخ طوسی

دلایلی که شیخ طوسی برای اثبات کراهت مطلق شعر حق بیان کرده ناتمام است زیرا ایشان با استفاده از آیه، شعر را به دو قسم خوب و بد تقسیم کرده و شعر گمراه‌کننده را مورد نکوهش قرار داده است. این برداشت هیچ دلالتی بر کراهت مطلق شعر خوب و حق ندارد. دوم این که روایاتی که بر منقصت شعر و کراهت آن دلالت می‌کند درباره زیاده‌روی و افراط در شعر و شاعری است که باعث سرگردانی یا کم‌توجهی به قرآن می‌شود نه این که هرگونه شعری حتی با محتوای حق مکروه باشد.

۲- استحباب و گناه و وجوب

هر گاه محتوای شعر مبتنی بر حکمت، موعظه، ارشاد، ریشه اخلاق، مدح اولیای دین و به طور کلی در خدمت آداب و فرهنگ دینی باشد مورد تأیید و تحسین اسلام قرار خواهد گرفت که از دیدگاه شرع، شعر مشروع و موجب ثواب اخروی برای شاعر می‌گردد. پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) این گونه شعر و شاعران را مورد تشویق و حمایت قرار می‌دادند و ثواب‌های اخروی برای آنان برمی‌شمردند، به عبارتی مثل جهاد است و گاهی برتر از آن می‌دانستند و هم چنین فرموده‌اند سرودن شعر در هر زمان و مکان در مدح و رثای اهل بیت مستحب و دارای ثواب است.

«عن رسول الله لما سئل عن الشعر ان المؤمن مجاهد بسيفه و لسانه و الذی نفسی بیده لکانما ینضحوهم بالبتل» (ری شهری، میزان الحکمه، ص ۲۷۳) چون از رسول خدا (ص) درباره شعر سوال کردند فرمود مؤمن با شمشیر و زبانش جهاد می‌کند قسم به کسی که جانم به دست اوست جهاد با زبان بمانند تیری است که دشمن را دور می‌کند.

رسول خدا (ص) به حستان بن ثابت فرمود: «أهج المشركين فان جبرئيل معك» (همان) مشرکین را هجو کن که جبرئیل با توست.

امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتَ شِعْرِ بَنِي اللَّهِ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» (همان) هر کس شعری در مدح ما بگوید خداوند برای او خانه‌ای در بهشت می‌سازد.

خلف بن حماد می‌گوید به امام رضا(ع) عرض کردم اصحاب ما از پدران شما روایت می‌کنند که شعر در شب و روز جمعه و در شب و روز ماه رمضان مکروه است و من تصمیم دارم در رثای امام کاظم(ع) مرثیه بگویم و هم اکنون ماه رمضان است حضرت فرمود مرثیه امام کاظم(ع) در همه شبها و در ماه رمضان شعر بخوان خداوند به تو پاداش خواهد داد. (شیخ یوسف بحرانی، الحدائق الناظره، ج ۱۳، ص ۱۶۴).

علامه مجلسی می‌گوید از این که مداحان مانند حستان بن ثابت و دیگران در محضر پیامبر(ص) و ائمه(ع) شعر می‌گفتند و آنان را مدح می‌کردند به خاطر این بود که مدح این بزرگواران عبادت بزرگی است و مسجد هم جای عبادت و بندگی است. (بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۶۴).

شیخ طوسی می‌نویسد حداء عبارت است از شعری که به وسیله آن عرب‌ها در سفر شتران خود را تحریک می‌کنند، این عمل ممدوح و همانند دعا است. (المبسوط، ج ۸، ص ۲۱۴).

شیخ حرّ عاملی در کتاب وسائل الشیعه بابی باز کرده بنام باب استحباب کمک گرفتن در سفر به حداء و شعر امام صادق(ع) از پدرانشان و آنان از رسول خدا(ص) نقل کرده‌اند که فرمود: «زاد المسافر الحداء و الشعر ما كان ليس فيه خناء» (شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۶).

توشه مسافران آوازخوانی و شعر خواندن است مادامی که باطلی در آن نباشد. این روایات و دهها روایت که برخی از آنها به صورت اسرار است اگر دلالت بر وجوب نکند حداقل استحباب از آنها استفاده خواهد شد.

تفصیل بین موارد

به مقتضی روایات متعدّد که در باب شعر و شاعری وارد شده به لحاظ صراحت برخی از روایات فقها، کراهت شعر را در موارد معینی قائل‌اند و مفهوم آن این است که در سایر موارد، شعر کراهت ندارد بعضاً حرمت و بعضاً وجوب و یا استحباب دارد که قبلاً بیان شد.

شیخ حرّ عاملی بایی دارد با عنوان، «باب کراهت قراءت شعر در روز جمعه و بقیه مواردی که در آن شعر خواند کراهت دارد و حرام نیست».

و سپس احادیثی در این رابطه آورده که در این جا فقط به یک روایت اکتفا می‌شود حماد بن عثمان می‌گوید شنیدم از امام صادق(ع) که می‌فرمود کراهت دارد روایت شعر برای روزه دار و برای محرّم و در حرم و در روز جمعه (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۸۳).

تعارض بین روایات

به هر حال روایاتی که تاکنون مورد استشهاد قرار گرفت دو نوع بودند؛ نوع اول روایاتی که مطلقاً دلالت بر جواز شعر دارند و در هیچ مورد سرودن و خواندن شعر را مکروه نمی‌شمرند.

نوع دوم روایاتی که دلالت می‌نمودند بر اصل جواز شعر و در ضمن همین روایات دلالت بر کراهت شعر در بعضی مواقع را دارند نه در همه موارد.

نمونه‌هایی از نوع اول

- ۱- حدیث صحیح علی بن یقطین از امام کاظم(ع) پرسیدم: سخن گفتن، شعر خواندن و خندیدن در حال طوایف واجب یا مستحب جایز است. فرمود «لا بأس به و الشعر ما کان لا بأس به منه» (شیخ طوسی، المصیوط، ج ۸، ص ۲۱۴) اشکالی ندارد شعری که فی حدّ نفسه جایز باشد مانند شعر حق که در غیر حال طوایف جایز است در حال طوایف نیز اشکال ندارد.
- ۲- روایت علی بن جعفر از حضرت کاظم(ع) «سئلتُهُ عن الشعر أیصلح أن ینشد فی المسجد؟ فقال لا بأس» (حرّ عاملی، ج ۱۰، ص ۴۲۴). از امام پرسیدم آیا شایسته است که شعری در مسجد خوانده شود؟ فرمود اشکالی ندارد.

۳- حدیث خلف بن حمّاد

به امام رضا(ع) عرض کردم دوستان ما از پدران شما نقل می‌کنند که در روز و شب جمعه و در ماه رمضان و در هر شبی شعر گفتن کراهت دارد و من بنا دارم در رثای امام کاظم(ع) شعر بخوانم و این زمان ماه رمضان است فرمود: «إرث ابوالحسن فی لیالی الجُمعَ و فی شهر رمضان و فی الیل و فی سایر الاَیام فانَّ الله عزوجل یکافیک علی ذلک» (یوسف بحرانی، الحدائق الناظره، ج ۱۳، ص ۱۶۴).

برای مرثیه امام کاظم(ع) شعر بخوان چه در شب جمعه، چه در ماه رمضان و چه هر زمان و مکان دیگر، که خداوند تو را براین کار پاداش خواهد داد.

نمونه‌هایی از نوع دوّم

۱- صاحبان کتب اربعه در روایتی با سند صحیح از حماد بن عثمان چنین نقل کرده‌اند:

«قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول يكره رواية الشعر للصائم وللمحرم و في الحرم و في يوم الجمعة و أن يروى بالليل. قال قلت و أن كان شعر حق؟ قال: و إن كان شعر حق» (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۱)

حماد گفت از امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمود خواندن شعر برای روزه‌دار، محرم در حرم روز و شب جمعه کراهت دارد گفتیم: اگر چه شعر حق باشد؟ فرمود آری اگر چه شعر حق باشد.

۲- حدیث صحیح از عبدالرحمن بن حجاج از جعفر بن محمد(ع) و او از حضرت امام سجّاد(ع) نقل کرده که فرمود «قال رسول الله (ص) من سمعتموه يُنشد الشعر في المسجد (المساجد) فقولوا فض الله فاك. انما نصبت المساجد للقرآن» (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۹۳)

هرگاه شنیدید که شخصی در مسجدها شعر می‌خواند به او بگوئید خداوند دهان و دندان‌هایت را بشکند. مسجد جای قرآن است.

۳- از حماد بن عثمان روایت شده که امام صادق(ع) فرمود شب، شعر خوانده نشود، و نیز در ماه رمضان، چه شب و چه روز نخوانند! اسماعیل فرزند امام گفت:

«یا اتباه فأنه فینا قال: وَ اِنْ كَانَ فینا» (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۱)

پدرم، شعری که خوانده می‌شود درباره فضائل، مناقب و مصائب ما اهل بیت است؟ فرمود اگر چه درباره ما باشد

راه‌های رفع تعارض و بررسی احادیث

چندین راه حل برای علاج تعارض میان روایات مطرح شده که به بهترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- روایات دلالت‌کننده بر کراهت را بر سرودن و قرائت اشعار باطل و بیهوده و روایات دلالت‌کننده بر جواز و استحباب را بر اشعار حق و مشتمل بر موعظه و مدح اهل بیت می‌شود حمل کرد. (یوسف بحرانی، الحدائق الناظره، ج ۱۳، ص ۱۶۲)

۲- کراهت مربوط به انشاد و خواندن شعر و جواز بدون کراهت، مربوط به انشا و سرودن شعر است. (تراقی، مستندالشیعه، ۱۰، ص ۳۱۴).

۳- کراهت درباره اشعار دنیوی است اما اشعاری که مشتمل بر ارشاد، حکمت، مدح اهل بیت یا هجو دشمنان باشد در هر زمان و مکان پسندیده عبادت است و ثواب دارد. (شهید اول، ذکری، ج ۳، ص ۱۲۴)

۴- روایات کراهت ناظر به شعر، به معنی اصطلاحی در منطق که از صناعات خمس به شمار می‌آید و بر کلام خیال‌بافانه اطلاق می‌شود خواه به صورت موزون و مقفی باشد و یا به صورت منثور، اگرچه با مضمون و محتوای حق و مشتمل بر موعظه و حکمت و مدح اولیاء الهی باشد زیرا داشتن محتوی و مشتمل بر ثنا و رثای اهل بیت در صورتی که کلام تخیلی باشد آن را از ماهیت شعر به اصطلاح منطق خارج نمی‌کند.

در صحیح‌ه علی بن یقظین که امام فرمود «وَ اِنْ كَانَ شعر حق و اِنْ كَانَ فینا» اگر چه شعر حق باشد اگر چه درباره ما باشد بر همین حقیقت نظر دارد.

و روایات نفی کراهت، نظر به شعر به معنای کلام موزون و منظوم بدون این که کلام خیال‌بافانه باشد دارد مانند ترجمه منظوم قرآن و نهج البلاغه که این نوع کلام‌های منظوم و موزون هیچ جا کراهت نخواهد داشت با این که این راه حل چهارم اشکال

خروج موضوعی شده و لکن این راه حل را فاضل نراقی پذیرفته است. (نراقی، مستندالشیعه، ج ۱۰، ص ۲۱۶)

۵- بهترین راه‌حلی که برای جمع بین این روایات به نظر می‌رسد این است که اخبار کراهت را خاص و اخباری که در آن کلمه «لا بأس» آمده عام بگیریم در نتیجه لا بأس یعنی حرام نیست حرام نبودن، هم با کراهت می‌سازد، هم با استحباب، هم با اباحه و اصل مشروعیت با کراهت قابل فرض است و مشروعیت شعر حق، مستلزم نفی کراهت نیست. (صدوق من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷)

بنابراین نتیجه می‌گیریم حکم اولی شعرسرائی و شعرخوانی از آن جهت که کلام تخیلی است در مسجد در حال احرام، در حال طواف و در مسجد و... در صورتی که صرفاً برای سرگرمی و حرفه باشد اگر چه مشتمل بر حکمت، موعظه، مدح و ثنای اهل بیت باشد کراهت دارد و اگر شرایطی چون دفاع از اهل بیت و مقابله با هجویات دشمن و تحریض به جهاد و هجوم به دشمن و تحریک برای دفاع از مرزوبوم ایجاب کند کراهتش زایل و در آن صورت سرودن و قرائت شعر مستحب و چه بسا لازم و واجب شود. در پایان کلام شهید ثانی و محقق کرکی را که تأیید مطلب است نقل می‌کنیم.

بیشتر مکروهات در بعضی از فروع در مسجد چه بسا عبادت، واجب و مستحب باشد با اجماع به کراهت. (شهید ثانی، روض الجنان، ج ۲، ص ۶۳۰)

اگر کسی معتقد شود که شعر مشتمل بر موعظه یا مدح پیامبر(ص) یا رثای امام حسین(ع) و مانند آن جایز است حرف دور از واقع زده چون این گونه شعرها عبادت به شمار می‌آید که با هدف و غرض بنای مساجد سازگار است و پیشینیان نیز بدون هیچ گونه انکاری چنین شعرهایی را در مساجد می‌خواندند. (محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۵۱).

آری، اگر شرایطی فراهم آید که گفتن شعر حق در شب یا در مسجد یا در ماه رمضان لازم باشد دیگر مرجوحیت و منقصت آن جبران می‌شود و روایت خلف بن حماد بر همین مطلب دلالت دارد چون امام فرمود بر امام کاظم(ع) در شب جمعه و ماه رمضان و هر وقت که خواستی مرثیه‌سرایی کن، خداوند به این عمل به تو پاداش می‌دهد.

نتیجه گیری

رایج ترین هنر در شهر مکه به ویژه بازار عکاظ این شهر، هنر شعر بود. پس از نزول قرآن کریم نگاه به شعر دگرگون شد به گونه ای که کمتر کسی حاضر می شد شعر بسراید و بخواند.

زمانی که مردم و به خصوص شعرا با حقیقت اسلام آشنا شدند و مطمئن شدند که قرآن با اصل شعر مخالفتی ندارد و آیه ای هم نازل نشد که صریحاً یا ضمناً شعر و شاعری را نکوهش کند بار دیگر شاعران وارد صحنه شدند.

و پیامبر اسلام(ص) هم هیچگاه شعر را بماهو شعر محکوم نکرد. حتی در برخی از موارد شاعران را تشویق می کردند و زبان شعری آنان را به منزله جهاد فی سبیل الله معرفی می کردند و به شاعران متعهد دستور می دادند مشرکین را با شعر خود هجو کنند.

و اگر در جایی پیامبر اکرم(ص) با شعر و شعرا مبارزه می کردند به خاطر آن بود که آنان شاعران غیر متعهدی بودند که با سلاح شعر به رسول خدا(ص) حمله می کردند و در مقام استهزا، آن بزرگوار را شاعر و مجنون معرفی می کردند.

به همین جهت در شش جای قرآن کریم که پیرامون شعر و شاعری بحث شده خداوند متعال خواسته است پیامبر خود را از اتهام به شاعری منزّه کند، زیرا شاعران گاه در عالم خیال و پندار و مبالغه و اغراق سخن می گویند در حالی که پیامبران واقع بین، حقیقت گرا و صادق هستند و باید بدانیم هرگز شاعر نبودن پیامبر نقص آن حضرت به شمار نمی رود مانند به مکتب نرفتن، خط ننوشتن و امی بودن آن حضرت بلکه این صفات، عظمت و قداست پیامبر عظیم الشان را نشان می دهد.

و نیز خداوند خواسته اثبات نماید به این که خطامشی وحی با خطامشی شعر جداست.

پس از رسول خدا(ص) ائمه معصومین(ع) همان سیره رسول الله را ادامه دادند یعنی شاعران متعهد و شایسته و صالح را تشویق و ترغیب به شعر می کردند و به شاعران صله می دادند و بشارت به بهشت و پاداش معنوی را مزد آنان معرفی می کردند.

پس از ائمه اطهار(ع)، نمایان آن بزرگواران یعنی فقها موضوع شعر را به مناسبت‌های گوناگون و در ابواب مختلف به بحث و بررسی گذاشتند که از مجموعه کلمات آنان چنین برمی‌آید که نسبت به اباحه شعر اتفاق نظر و اجماع دارند.

و آنان هرگز شعر را بماهو شعر محکوم و مذمت نموده‌اند و هیچگاه سرودن و خواندن شعر را تحریم نکرده‌اند و چنان‌چه در جایی تحریم شده به خاطر آثار مخرب آن مانند شعر هجوی و شعر تشبیبی بوده. بدیهی است هجو مؤمن و تشبیب زن مؤمنه در قالب نثر هم که باشد حرام است و اختصاص به شعر ندارد.

و اگر در مواقعی مانند شعرخوانی در مسجد و در ماه رمضان، در حال طواف و در حال احرام و حرم را مکروه شمرده‌اند در صورتی بوده که شعر صرفاً برای سرگرمی و حرفه و شغل باشد و اگر شرایطی چون دفاع از اهل بیت و مقابله با هجویات دشمن و تحریض به جهاد و هجوم به دشمن و تحریک برای دفاع از مرزوبوم ایجاب کند قطعاً کراهتش زایل خواهد شد و در آن صورت سرودن و قرائت شعر مستحب و چه بسا واجب و لازم خواهد شد.

و لذا فقیهانی مانند محقق کرکی و دیگران گفته‌اند: اگر کسی معتقد شود که شعر مشتمل بر موعظه یا مدح پیامبر(ص) یا رثای امام حسین(ع) و مانند آن جایز است حرف دور از واقع نزده چون این گونه شعرها عبادت به شمار می‌آید که با هدف و غرض بنای مسجد سازگار است و پیشینیان نیز بدون هیچ‌گونه انکاری چنین شعرهایی را در مساجد می‌خواندند. (محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۵۱).

آری، اگر شرایطی فراهم آید که خواندن شعر حق، در مسجد یا در ایام شریفه مثل ماه رمضان و یا در حالات خاص مانند حالت احرام و طواف لازم باشد دیگر مرجوحیت و منقصت آن جبران خواهد شد. والسلام.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اقرب الموارد. سعید الخوری الشرتونی، طهران، مؤسسه نصر.
- ۳- آشنائی با قرآن، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ چهاردهم، مهر ۱۳۷۸.
- ۴- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم ۱۴۰۳-۱۹۸۳ م.
- ۵- برگزیده تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، طهران چاپ نهم، ۱۳۸۰.
- ۶- تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، حسن صدر، شرکة النشر و انطباعة العراقیة.
- ۷- تهذیب الاحکام، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی الطوسی معروف به شیخ طوسی، مکتبة الصدوق، چاپ اول.
- ۸- تفسیر القرآن الکریم، محیی الدین ابن عربی، منشورات دارالیفظة العدلیة.
- ۹- جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، انتشارات داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱ م.
- ۱۰- الجامع لاحکام القرآن، ابو عبدالله محمد بن احمد الانصاری القرطبی، دارالکتب العلیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.
- ۱۱- جامع المقاصد، علی بن الحسن الکرکی، معروف به محقق کرکی، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.
- ۱۲- الحدائق الناظرة، یوسف بحرانی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۳- حماسه حسینی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ پنجاه یکم، مهر ۱۳۸۵.
- ۱۴- الخلاف، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی الطوسی، معروف به شیخ طوسی، مطبعة تابان، چاپ دوم، ۱۳۱۳ هـ.
- ۱۵- ذکری، محمد بن جمال الدین مکی العاملی و «شہید ثانی»، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، محرم ۱۴۱۹ هـ.
- ۱۶- رد المحتار علی الدر المختار، محمد امین عابدین، احیاء التراث، بیروت لبنان.
- ۱۷- روضه المتقین، محمد تقی مجلسی، بنیاد فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، محرم ۱۴۰۶ هـ.
- ۱۸- السراج الوهاج، محمد الزهری القمراوی، دارالمعرفة، بیروت لبنان.
- ۱۹- سفینة البحار، عباس قمی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ.
- ۲۰- صحیح مسلم، شرح نومی، دارالفکر، بیروت لبنان، چاپ دوم، ۱۳۹۲-۱۹۷۲ م.
- ۲۱- فتح الباری، ابن حجر العسقلانی، دارالکتب العلمیة، بیروت لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ-۱۹۸۹ م.
- ۲۲- فرهنگ بزرگ جامع نوبن ترجمه المنجد، سیاح، انتشارات اسلام تهران.
- ۲۳- الفهرست، ابن الندیم، مطبعة الانتشامه، قاهره.
- ۲۴- القاموس المحيط، مجدالدین محمد بن یعقوب الفيروز آبادی، داراحیاء التراث العربی، بیروت لبنان، چاپ اول.

- ٢٥- کفایة الاحکام، محمد بن باقر ابن محمد مؤمن السبزواری معروف به محقق سبزواری، نشر اصفهان، چاپخانه مهر
- ٢٦- لسان العرب، ابن منظور، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ١٤٠٨ هـ-١٩٨٨ م.
- ٢٧- اللغات المشرقیة فی الفنون المنطقیة، صدرالدین محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی، ترجمه عبدالحسین مشکوة.
- ٢٨- المفردات فی غریب القرآن، ابی القاسم الحسین بن محمد المعروف بالرابع الاصفهانی، المکتبه المرطویه، مؤسسه نسر.
- ٢٩- مجمع البیان، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، بیروت داراحیاء التراث العربی، ١٣٧٩ هـ.
- ٣٠- المنطق الشفا، بوعلی سینا، نشر وزارت تربیت و تعلیم مصر قاهره، ١٣٧٧ هـ-١٩٥٨ م.
- ٣١- المنطق، محمدرضا المظفر، مؤسسه فرهنگی آرایه، چاپ اول ١٣٨١.
- ٣٢- مستدرک سقینه البحار، علی نمازی شاهرودی، تاریخ انتشار ١٤٠٠.
- ٣٣- مصنفات شیعه، ترجمه الذریعه الی تصانیف الشیعه، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول ١٣٧٣.
- ٣٤- منهج الصادقین، ملافتح الله کاشانی، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، چاپ چهارم، ١٣٤٧ شمسی.
- ٣٥- المیزان، محمد حسین طباطبائی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ٣٦- مسالک الافهام، زین الدین بن علی العاملی (شهید ثانی)، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ١٤١٩ هـ.
- ٣٧- مکاسب، شیخ مرتضی انصاری، مطبعه الاداب، نجف اشرف، ١٣٩٣ هـ، چاپ اول.
- ٣٨- المغنی، موفق الدین و شمس الدین ابن قدامة.
- ٣٩- الموسوعه الفقهیة، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، انتشارات ذات اسلاسل، چاپ دوم، ١٤٠٤ هـ.
- ٤٠- مستند الشیعه، احمد بن محمد مهدی النراقی، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ١٤١٧ هـ.
- ٤١- الميسوط، ابی جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (معروف به شیخ طوسی) المکتب المرطویه.
- ٤٢- منتخب میزان الحکمه، محمد ری شهری، مرکز انتشارات نشر حدیث، چاپ دوم، ١٤٢٢ هـ.
- ٤٣- من لایحضره الفقیه، الصدوق ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه القمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ٤٤- مقدمه ابن خلدون، ابن خلدون، کتابخانه آیت الله العظمی خوئی.
- ٤٥- نهاية المحتاج الی شرح المنهاج، ابی الشهاب الدین الرملي، المکتبه الاسلامیه.
- ٤٦- وسائل الشیعه، محمد بن الحسن الحر العاملی، طهران المکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم.